



تحلیل‌ها سیاسی حماس

پیدا

ایران و تولد مقاومت فلسطین

انقلاب اسلامی ایران پس از پیروزی خود بر اساس این دکترین که: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی-اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد» و «از مبارزه حق طلبان و مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه جهان حمایت کند»، روابط نزدیکی با گروه‌های مبارز فلسطینی برقرار کرد. حماس نیز مانند ایران معتقد است که رژیم صهیونیستی، رژیم غاصب، غیرقانونی، نژادپرست، توسعه‌طلب و غیرقابل مذاکره بوده و یا هرگونه اقدام و سیاستی که باعث تثبیت و امنیت این رژیم شود، باید مخالفت کرد. حماس با استفاده از نیروهای بالادست و بالفعل و نفوذ فوق‌العاده مردمی خود، توانسته است با ایجاد تشکیلات وسیع، گسترده و مقتدری در داخل سرزمین اشغالی فلسطین و خارج از آن، نقش فوق‌العاده‌ای را در دفاع از ملت فلسطین ایفا کند. جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس اهداف انقلاب اسلامی و در چهارچوب منافع ملی، حمایت از آرمان فلسطین را به‌عنوان یکی از راهبردهای روابط و سیاست خارجی خود پذیرفته است.

آغاز روابط ایران و حماس

پس از آنکه شیخ احمد یاسین، جنبش حماس را در سال ۱۹۸۷ به عنوان شاخه

اخوان المسلمین فلسطین تأسیس کرد، این جنبش به‌عنوان یک جنبش مقاومت مردمی - ملی با رویکردی اسلامی آغاز به کار کرد که از همان بدو کار تلاش کرده است تا زمینه را برای آزادی و رهایی فلسطین از طرح صهیونیست‌ها مبنی بر غصب کامل این سرزمین فراهم آورد. حماس، مبانی اسلامی را اصلی ثابت برای مبارزه با دشمن می‌داند و به همین دلیل، یک جریان گسترده مردمی را در فلسطین با خود همراه کرده است. این جنبش برخلاف سازمان آزادیبخش فلسطین که در سال ۱۹۸۸ رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت، مخالف مشروعیت و ماهیت وجودی این است. رویکرد مقاومتی حماس در برابر اشغالگری رژیم صهیونیستی و همسویی آن با مبانی انقلاب اسلامی ایران و آرمان‌های حضرت امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران درباره حمایت جهان اسلام از مسأله فلسطین، موجب شد که روابط ایران با جنبش از سال ۱۹۹۱ آغاز شود و ایران نیز خود را متحد سرسخت جنبش آزادیبخش فلسطین معرفی کند. تأکید حماس بر مقاومت این جنبش در برابر روند سازش، افزایش دامنه فعالیت این گروه را تا گشایش دفتر سیاسی در تهران به همراه داشت. دفتر حماس در تهران در بهمن ۱۳۷۰ / فوریه ۱۹۹۲ با ریاست یکی از رهبران معروف حماس، عمادالغلی، افتتاح شد. وقتی جمهوری اسلامی ایران دو کنفرانس با موضوع

فلسطین در ۱۹۹۱-۱۹۹۰ برگزار کرد، این گروه تماس‌های سطح بالایی را با ایران آغاز نمود. این نشست که نمایندگان حماس هم در آن حضور داشتند، به ویژه خنثی‌سازی روند صلح جاری اعراب و اسرائیل در کنفرانس ۱۹۹۱ مادرید بدل شد. پس از آن، سفرهای رهبران حماس به ایران افزایش یافت و ایران به محور هماهنگ‌کننده مقاومت در برابر رژیم اشغالگر تبدیل شد. اوج حمایت‌های ایران از مقاومت فلسطین بویژه حماس، در جنگ ۲۲ روزه علیه نوار غزه بود که اینک رهبران انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه فرمودند: «ما هر جا دخالت نکنیم، صریحاً می‌گوییم، همچنان که به علت ضدیت با غده سرطانی رژیم صهیونیستی در دو جنگ پیروزمند ۳۳ روزه و ۲۲ روزه دخالت کردیم و از این پس نیز هر جا هرملتی یا گروهی با رژیم صهیونیستی مبارزه و مقابله کند ما به او کمک می‌کنیم و هیچ ابایی هم از گفتن این مسأله نداریم.»

بعد از طوفان

ایران از همان ابتدای جنگ در روز ۷ اکتبر در کنار مقاومت حماس قرار گرفت و دستاوردهای مثبت عملیات طوفان الاقصی را مورد تأکید قرار داد. در همین راستا سیاست خارجی ایران پس از عملیات طوفان الاقصی در حوزه حمایت از مقاومت اقداماتی را به انجام رساند. در وهله اول، موضوع فلسطین در سیاست خارجی

سیاستمدار بزرگ مقاومت فلسطین

یار و دست راست شیخ و رهبر حماس بود. احمد یاسین همواره اسماعیل را یکی از بالقوه‌ترین جایگزین‌های خودش می‌دانست. ابوالعبید خود میراث‌آوارگی مردم فلسطین را تجربه کرده بود؛ زمانی که در سال ۱۹۴۸ خانوادهاش از عسقلان آواره شدند و به منطقه آوارگان شاطی آمدند.

در جوانی در عسقلان به عنوان گچیر و کارگر ساختمانی مشغول به کار شد. او تحصیل کرد و رئیس شورای دانشجویی دانشگاه اسلامی غزه بود و در انتفاضه اول، زمانی که این سازمان هنوز در مرحله تأسیس بود، به جنبش حماس پیوست.

او در سال ۱۹۸۷ به مدت ۶ ماه در بازداشت اداری زندانی شد. در سال ۱۹۹۲، هنیه به عنوان رئیس دفتر و دست راست شیخ احمد یاسین، بنیانگذار و رهبر جنبش حماس منصوب شد. او هرگز در شاخه نظامی حماس فعال نبود و اساساً یک نیروی سیاسی برای حماس محسوب می‌شد.

توان دیپلماتیک و سیاسی او باعث شد از همان ابتدای فعالیتش در حماس وارد شاخه سیاسی این گروه شود. هنیه سال‌ها در زندان‌های رژیم صهیونیستی بود و بعد از آزادی، مسئول دفتر شیخ احمد یاسین شد و تمام کارهای سیاسی دفتر حماس را انجام می‌داد. هنیه در سال ۱۹۸۷ و در آغاز «انتفاضه» فارغ‌التحصیل و اندکی پس از آن به دلیل شرکت در تظاهرات توسط مقامات اسرائیلی دستگیر شد، اگرچه مدت زندان او کوتاه بود.

در سال ۱۹۸۸، زمانی که حماس در غزه به‌عنوان یک «جنبش مقاومت پیشرو» به شهرت رسید، دوباره دستگیر شد، اما این بار به مدت ۶ ماه زندانی شد. سال بعد هنیه دوباره دستگیر و به ۳ سال زندان محکوم شد.

او سال‌های تنگید را هم دیده است، ابوالعبید در راه تلاش و مجاهدت برای فلسطین روزهای تلخ و شیرینی را دید؛ از زمان آزادی جنوب لبنان به دست حزب‌الله تا آزادی غزه در سال ۲۰۰۵. پس از آزادی در سال ۱۹۹۲، اسرائیل او را به همراه رهبران ارشد حماس، عبدالعزیز الرنتیسی، محمود الزهار و بیش از ۴۰۰ فعال دیگر به جنوب لبنان تبعید کرد.

این فعالان بیش از یک سال را در اردوگاه مرج‌الظهور سوری کردند؛ جایی که گروه اسلامی یازتاب پی سابقه‌ای در رسانه‌ها داشت و در رسانه‌ها به شهرت رسید. هنیه در

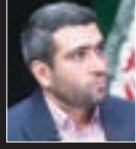
دسامبر ۱۹۹۳ به غزه بازگشت و به ریاست دانشگاه اسلامی منصوب شد و کار را برای ارتقای سیاسی و دینی حماس شروع کرد. هنیه همواره بال کمی شاخه نظامی جنبش فلسطین یعنی القسام شناخته می‌شد. هنیه در انتخابات ۱۵ ژانویه سال ۲۰۰۶ هم شرکت کرد و با پیروزی در این عرصه که مانند زلزله، منطقه و فلسطین را تکان داد به عنوان نخست‌وزیر منتخب دولت فلسطین انتخاب شد.

اسماعیل هنیه چندین بار مورد سوء قصد قرار گرفت که آخرین آن در سال ۲۰۰۳ بود؛ زمانی که هواپیماهای اسرائیلی در پی عملیات گردان‌های قسام، گروهی از رهبران مقاومت را هدف قرار دادند. هنیه یک چهره عملکردا در درون حماس محسوب می‌شد، او اعتقاد داشت باید برای متر به متر خاک فلسطین جنگید و فعالیت سیاسی صورت داد.

یکی از دلایل ترور وی توسط اسرائیل به مهارت او در امر دیپلماتیک اشاره دارد. الجزیره او را «عجبه سپاه سیاسی» حماس معرفی می‌کند. ناظر و گواه این لقب آن است که هنیه به دیپلماسی مسائل یا رفت و برگشتی اعتقاد داشت. یعنی باید از تمام ظرفیت‌ها جهت احقاق حقوق ملی مردم فلسطین استفاده کرد، به همین علت بود که هنیه به عنوان یک فرد جامع‌الاضراف از تهران گرفته تا دوحه، آنکارا و ریاض روابط خوبی برای حماس ایجاد کرده بود.

هنیه بعد از ۷ اکتبر در قامت یک دیپلمات برجسته هم ظهور و بروز کرد. به تمام پایتخت‌های عربی و اسلامی سفر کرد تا بتواند برای آتش بس در غزه کاری انجام دهد و در یک مرحله هم ۱۰ روز آتش بس در غزه صورت گرفت. این فعالیت سیاسی هنیه برای ثبت در تاریخ فلسطین بسیار ارزشمند است.

البته او در مقابل اسرائیل هم سرخم نکرد. روزی که خیر آوردند سه فرزندش به همراه او و نوه وی در عملیات هوایی اسرائیل به شهادت رسیدند یا خنده‌ای از سر غرور فقط گفت: «الحمدلله». او همانی بود که روزی که رژیم صهیونیستی به نوار غزه حمله زمینی کرد، می‌گفت: «آنها در شن‌های غزه دفن خواهند شد.» هنیه از همان ابتدا اعتقاد داشت، حماس علاوه بر میدا نبرد باید در میدان سیاست هم حضور داشته باشد. طرفدار تأسیس حزب توسط حماس برای شرکت در سازگاری‌های انتخابات فلسطین بود. همین فعالیت‌های او به نتیجه‌های مثبتی در جنگ غزه رسید و حماس را به عنوان یک نیروی سیاسی که برخی از کشورهای اسلامی و عربی قبول دارند، بالا کشاند. همین اعتقاد او بود که وقتی خبرنگار روتترز از وی پرسید، آیا حماس دست از اسلحه می‌کشد؟ جواب داد: نه! ولی نبرد ما فقط نظامی نیست، بلکه مقاومت دیپلماتیک و سیاسی هم ادامه دارد.



محمد علی حسن یاسین
کارشناس
غرب آسیا

فرمانده اسماعیل

یادداشت

محمداصغری

پژوهشگر ارتباطات

۱- آخرین بار که او را به دور از هیاهوی همایش‌های بزرگ و مراسم سیاسی دیدم، دهکده‌ای دنج در حاشیه استانبول بود؛ نشست بودیم پای بساط جای که دیدم صورت بچه‌های فلسطینی گل انداخته. جنب‌وجوش‌ها نشان از میهنی مهم داشت؛ گرم گپ زدن درباره تأثیر علی شریعتی بر تطور فکر اسلامی عربی بودیم که ناگاه یکی از رفقا تکبیر چاق کرد. بادیگارد درشت‌هیکل

مقاومت را ادامه داده و در این رابطه نیز هیأت‌هایی از رهبران حماس و دیگر گروه‌های مقاومت را میزبانی کرد. همچنین ایران مناسبات راهبردی با جریان‌ها و گروه‌های نزدیک به خود در محور مقاومت و حفظ قدرت و موقعیت این گروه‌ها را تقویت کرد. در همین راستا، ایران از همان ابتدای ۷ اکتبر با تأکید بر استقلال عملی حماس اعلام کرد که تمامی ارکان سیاسی ایران حمایت قوی سیاسی خود از عربستان به‌طور مشترک برگزار شد.



یادداشت

محسن فایضی

کارشناس فلسطین

مرد جهاد

دو سه روز بعد این گفت‌وگو؛ داستان حاج قاسم در بغداد رقم خورد و هنیه بدون درنگ به تهران آمد و لقب «شهید القدس» را روی حاج قاسم ماندگار کرد.

رفقار هنیه پاسخ اسرائیلی‌ها قابل حدس بود؛ هرگز اجازه بازگشت به نوارغزه از رفح داده نخواهد شد و هنیه از آن سال آواره میان قطر و ترکیه و بیروت شد... درست مثل همه حیران‌های جهاد...

و آن هم گذشت... ۱۷ اکتبر، هنیه در کنار العاروری سجده شکرش تیراخبار شد... اولین واکنش اسرائیلی‌ها یک چیز بود؛ دو سال آرامش فریب بود، مردان هیچ گاه لباس جهاد را رها نمی‌کنند!

جنگ به درازا کشید، صالح العاروری در قلب بیروت ترور شد؛ بهترین رفیق اسماعیل... جنگ به درازا کشید، فرزندان و نوه‌هایش در قلب اردوگاه الشاطی در شهر غزه ترور شدند...

مگر نه اینکه پسران هنیه هم مانند همه رهبران جهان باید به جای امن می‌رفتند، یا حتی به جنوب نوارغزه، یا حتی خروج‌شان هم از نوارغزه خیلی راحت و ممکن بود... یا اصلاً مگر فضایی عربی پر نبود از کتایه به اینکه هنیه و پسرانش فرماندهان هتل‌ها هستند...

وقتی خیر شهادت را شنید تنها گفتم، الحمدلله... خون پسران من ارزشمندتر از خون کودکان غزه نیست... هدف تغییر تصمیم است، اما من مصمم‌تر شدم... و باز جنگ به درازا کشید و خون خودت در قلب تهران سرخ شد. خونی به سرخی بغداد و بیروت و غزه و تهران...

تحلیل‌ها به جای خود... اما دشمنی که آن سوی جهاد ما ایستاده، یک راه بیشتر پای تو نمی‌گذارد؛ یا جنگ را با کفن یا بچنگ تا بچنگیم. پازل تنها یک چیز است؛ ما همیشه در جنگیم؛ همیشه... ما در وسط جنگیم؛ نه آنکه از ترس عدم جنگ تصمیم بگیریم و نگیریم...

منبع: کانال تلگرامی محسن فایضی

هنیه مردی بود که سال‌ها بالاخص در این اواخر، به مسرد «جهاد» تبدیل شده بود. و جهاد هیچ پایانی ندارد جز انتخابی که میان دو راه انتخاب مخیر شده است؛ زندگی با ذلت یا مرگ با شهادت.

هنیه وقتی دوباره با انتخاب اعضای حماس در زندان و خارج و داخل فلسطین، به رهبری حماس انتخاب شد، اولین تصمیمش بازگشت به قلب مرگ و ترور بود.

چند ماه بعد از حضورش در نوارغزه تصمیم گرفت به سفرهایی برای رازنی برود. هنیه و تیمش از غزه خارج شدند و از مالزی تا روسیه و... سفر کردند.

بعد از سفرها، تیم حماس دو هفته‌ای در قطر بودند که با یکی از دوستان نزدیک به دفتر حماس گفت‌وگویی داشتم و پرسیدم آخر تصمیم‌شان چه شد؟ تهران می‌آیند یا نه؟ که گفت در حال استخاره یا همان مذاکره با مصری‌ها هستند.

مگر نه اینکه پسران هنیه هم مانند همه رهبران جهان باید به جای امن می‌رفتند، یا حتی به جنوب نوارغزه، یا حتی خروج‌شان هم از نوارغزه خیلی راحت و ممکن بود... یا اصلاً مگر فضایی عربی پر نبود از کتایه به اینکه هنیه و پسرانش فرماندهان هتل‌ها هستند...

وقتی خیر شهادت را شنید تنها گفتم، الحمدلله... خون پسران من ارزشمندتر از خون کودکان غزه نیست... هدف تغییر تصمیم است، اما من مصمم‌تر شدم... و باز جنگ به درازا کشید و خون خودت در قلب تهران سرخ شد. خونی به سرخی بغداد و بیروت و غزه و تهران...

تحلیل‌ها به جای خود... اما دشمنی که آن سوی جهاد ما ایستاده، یک راه بیشتر پای تو نمی‌گذارد؛ یا جنگ را با کفن یا بچنگ تا بچنگیم. پازل تنها یک چیز است؛ ما همیشه در جنگیم؛ همیشه... ما در وسط جنگیم؛ نه آنکه از ترس عدم جنگ تصمیم بگیریم و نگیریم...

منبع: کانال تلگرامی محسن فایضی

تاریخی خود را از دست داده است. آری، به جرأت می‌توان هنیه را عالی‌ترین رهبر نیم‌قرن گذشته فلسطین خواند. کسی که میراث رنتیسی و یاسین را در طوفان الاقصی به نمایش گذاشت، هوشمندانه توانست مقاومت را از گردنه‌های سخت عبور دهد و سرفرازانه در جست‌وجوی شهادت بود. مثلث هنیه، عاروری و سنوار، همان مثلث سرخ امروز فلسطین است و دریغ که پس از شهادت شیخ صالح در خانه حزب‌الله، حاج اسماعیل نیز در خانه جمهوری اسلامی ترور شد و حالا همه چشم امید مقاومت به یحیی است؛ که به قول بچه‌های مقاومت؛ یحیی در هر تفنگی زنده است!

عربی شیخ بود که هنوز هم در مشام مانده. چنان گیرا قرآن می‌خواند که می‌خواستی چشم‌هایت را ببندی و با او بر فراز مسجد الاقصی معراج کنی. هنگام خطبه خواندنش، محور روایت‌های جهاد می‌شدی، وقتی که انگشت اشاره‌اش را بالا می‌آورد، گویی پرده پندار می‌درید و پله پله تورا تا ملاقات خدا می‌برد. دعایش که تمام شد، گفتم بهترین دعا را از شما می‌خواهم؛ شهادت در راه فلسطین؛ آرام دستم را گرفت و گفت: دعا کنیم برای آزادی فلسطین!

۲- شخصیت اسماعیل هنیه را نباید در حصار واژگانی چون «رئیس دفتر سیاسی حماس» خلاصه کرد؛ او رهبر فلسطین بود و امروز فلسطین بزرگ‌ترین رهبر

۳- اسماعیل هنیه خواب خیلی‌ها را آشفته کرد و بزرگ‌ترین یادگار او، سیلی سخت ۷ اکتبر و مقاومت بساطوفان، تا دهه‌ها خار چشم پولیتسیسی‌ها خواهد بود. بله، ما افتخار می‌کنیم که ۷ اکتبر رؤیای هم‌آغوشی عده‌ای را با غرب نقش برآب کرد؛ افتخار می‌کنیم که شیریچه‌های هنیه رخوت و رکود محور مقاومت را شکستند؛ افتخار می‌کنیم که بار دیگر غیرت حاج قاسم از مشت‌های گره‌کرده حماس به پاخاست؛ افتخار می‌کنیم به ایستادن در سمت درست تاریخ و تنگ بر هر آن کسی که هنوز هم باور نکرده ما، یعنی همین مایی که از تهران شروع می‌شود، دقیقاً وسط جنگ هستیم.

منبع: کانال تلگرامی محمد اصغری